



محمد حسن نبوی

#### اشاره

در شماره قبل، از زمینه‌های تفرقه، ضرورت تقوی، اهمیت وحدت و عوامل اختلاف در جامعه، سخن به میان آمد. در این شماره، عوامل ایجاد وحدت و ضرورت تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در اختلافات، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### عوامل ایجاد وحدت

با چه چیزهایی می‌شود در جامعه وحدت ایجاد کرد؟ اولین چیز مهر و محبت گسترده است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَأَشْرِعِز

قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ

بِهِمْ؛<sup>۱</sup> به قلبت بفهمان رحمت، محبت و لطف به مردم را.»

به قلبت بفهمان؛ یعنی باید این محبت از درون بجوشد.

یکی از بستگان آیت الله صدوقی

شهید بزرگوار محراب نقل کردند، یک

خانمی آمد و گفت: من از راه دوری آمدم و می‌خواهم آقا را ببینم. ما هم

گفتیم: نمی‌شود، جناب آقای صدوقی

استراحت می‌کند، صدای حرف آن زن

و ما را آیت الله صدوقی شنید، آمد و با

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء،

بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۳، ص ۵۹۹.

دارم، نه خانواده آسایش دارد. آیت الله بهاء‌الدینی به او فرموده بودند: اشکالی ندارد. خدا حوائج مؤمنین را درب خانه دیگران می‌فرستد و خدا مشکل مؤمنین را به وسیله دیگری حل می‌کند. یعنی خیال نکن تو هنر کردی، خدا به تو لطف کرده که این موقعیت را داده که مشکلی از مشکلات مردم را حل می‌کنی. مهم نیست، رد کن، خدا مشکل اینها را از جای دیگری حل می‌کند، خدا که بنده‌هایش را رها نمی‌کند. تو بدبخت می‌شوی.

باید مردم در کنار امام جمعه و روحانی خودشان زندگی راحت داشته باشند. حس کنند اگر جایی گیر کردند و مشکل جدی برایشان پیش آمد، مأوایشان امام جمعه است. در روایت دیگری از پیامبر ﷺ است: «أَطْلَبُوا الْبَيْتَ مِنْ رَحْمَاءِ أُمَّتِي فَعَلَيْهِمْ تَنْزِيلُ الرَّحْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَلَا تَطْلُبُوهُ مِنَ النَّفْسِيَّةِ قُلُوبُهُمْ فَعَلَيْهِمْ تَنْزِيلُ اللَّعْنَةِ مِنَ اللَّهِ»<sup>۱</sup> از افراد رحیم امت من

تغییر گفت: چرا ردش می‌کنید؟ گفتیم: شما استراحت می‌کردید. ایشان گفتند: من سر بر ندارم، من بایستی در خدمت اینها باشم. و بعد به این خانم گفت: چه کار داری؟ گفت: بچه‌ای یا نوه‌ای دارم، اسمش را چه بگذارم؟ ایشان با متانت و محبت جواب داد.

ببینید این خیلی مهم است. اصلاً جایگاه، جایگاه این نوع برخورد هاست.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «أَطْلَبُوا الْمَعْرُوفَ وَالْفَضْلَ مِنْ رَحْمَاءِ أُمَّتِي تَعِيشُوا فِي أَكْثَانِهِمْ»<sup>۱</sup> نیکی و فضیلت را از مهربانان امتم طلب کنید تا در کنارشان زندگی کنید.

اگر معرفی و فضلی را خواستید دنبال اشقیاء نروید، دنبال آنهایی که دلشان رحیم است بروید. چون آنها هستند که خداوند گره‌گشایی مؤمنین را به دست آنها قرار داده است.

یکی از آقایان که خیلی اهل خیر است گفت: رفتم خدمت آیت الله بهاء‌الدینی گفتم: خسته شدم، کلافه شدم، شب، وقت و بی‌وقت این فقرا درب خانه ما را می‌زنند، نه خودم آسایش

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ج اول، ۱۴۰۸ هـ. ق. ۷، ص ۲۲۸.

۲. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۷،

می سازد و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: با رحمت بین خودتان رفتار کنید.»

این روح در کالبد هر کسی دمیده نمی شود.

**تمسک به قرآن و اهل بیت در**

#### اختلافات

ای کاش در اختلافات سیاسی، و مسائل مختلف، ما به جای نظریه پردازیهای شخصی به قرآن و اهل بیت متمسک می شدیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا»<sup>۲</sup> مادامی که به قرآن و اهل بیت متمسک شوید هرگز گمراه نمی شوید.»

یک دسته می گویند آزادی، آنها درباره آزادی نظریه پرداز می کنند، ما هم راجع به آزادی نظریه پرداز می کنیم، نمی رویم ببینیم امیرالمؤمنین راجع به آزادی چه مطلبی فرموده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

درخواست بخشش کنید. پس بر ایشان رحمت الهی نازل می شود و از افراد سنگدل چیزی نخواهید؛ پس بر اینها لعنت الهی نازل می شود.»

بر این رحماء رحمت الهی نازل می شود و اینها به دیگران می دهند، واسطه لطف خدا بر انسانها می شوند، و این واسطه شدن نعمت بزرگی است. در روایتی قدسی آمده:

«الْأَنْسَاءُ عِيَالِي أَحَبَّهُمْ إِلَيَّ أَنْفَعَهُمْ إِلَيْهِمْ»

مردم عیال من هستند، [می خواهید بدانید کدامشان را بیش تر دوست دارم؟] آنهایی را بیش تر دوست دارم که بیش تر به نفع مردم هستند [و به درد مردم می خورند].

یکی برای مردم آب می کشد، یکی نان می آورد، شما روح می برید برای مردم، بهترین سرویس را امام جمعه می تواند به مردم بدهد و معنویت را در جامعه می تواند جاری کند. در روایت دیگر آمده:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ

تَعَالَى أَجْرَى فِي الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رِيحِ رَوْحِ اللَّهِ وَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ؛<sup>۱</sup> خدا در مؤمن از نفخه های روح الهی جاری

ص ۲۲۹

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۴، ص ۷۵.  
۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۲؛ السرائر، ابن ادریس حلی، ج ۲، ص ۶۷۹.

«وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَفَدَّ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»<sup>۱</sup> بنده دیگران نباش در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است.»

آزادی از این منظر بسیار ارزشمند و خیلی هم راحت تبیین می‌شود. از سوی دیگر پیامبر آخرین درجه‌ای که می‌گیرد آزاد نبودن است.

«أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»<sup>۲</sup> شهادت می‌دهم که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و رسول خداست.»

وقتی فضای سیاسی از اصلاحات پر می‌شود باید به قرآن مراجعه کنیم. ببینیم قرآن چه می‌گوید. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ \* أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ»<sup>۳</sup> [وقتی [به منافقان] گفته می‌شود که در زمین فساد نکنید پاسخ می‌دهند تنها ما اصلاح‌گر هستیم، بدانید اینها فسادگر بوده لکن درک نمی‌کنند.]

پس بهتر است ببینیم اصلاحات و افسادات در منطق قرآن چیست؟ به جای اینکه مدام نظریه پردازی کنیم.

در اختلافات چه کنیم؟ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام از پدرشان امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام

نقل می‌کنند که ایشان از پیامبر نقل کردند: «مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي فِي اخْتِلَافِ أُمَّتِي كَانَ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ»<sup>۳</sup> هر کس هنگام اختلاف در بین امتم به سنت من تمسک کند، اجر یکصد شهید دارد.»

تا دعوا می‌شود، ما باید اعلان کنیم هر چه قرآن و پیامبر و معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌گویند تابع هستیم؛ و هنگامی که به نظر دین رسیدیم، در درون خود احساس بد نداشته باشیم.

قرآن می‌فرماید: «لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ»<sup>۴</sup>

اگر پیامبر چیزی فرمود که خلاف خواسته ماست، در دلمان هم نباید احساس ناراحتی کنیم. هر چه پیامبر گفت اطاعت کنیم.

چقدر خوب است روحانیون مردم را به طرف میزان ببرند. اوایل انقلاب بود با یک آقایی که وزیر بود در مجموعه‌ای در خدمتشان بودیم، راجع به موضوعی من با ایشان خیلی بحثم

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۱۵.

۲. بقره/ ۱۱ و ۱۲.

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۶۲.

۴. نساء/ ۶۵.

شد، گفتم: آقا مردم اینطور می گویند. گفت: مردم هر چه می خواهند بگویند، ما میزان داریم، ببینیم قرآن چه می گوید. حقیقتاً حرف ایشان ملاک خوبی به من داد، دیدم راست می گوید، ما میزان داریم، چرا به میزان تمسک نمی کنیم، قرآن فرقان است، یعنی فارق بین حق و باطل است، ببینیم قرآن چه می گوید.

یکی از مسائلی که ائمه محترم جمعه اگر رعایت کنند معمولاً در موفقیت آنها خیلی مؤثر است، عدم دخالت در مشاجره است. در لسان اهل بیت عصمت و طهارت این جدال شمرده شده است. وقتی به اینجا می رسید روایات متعددی داریم که ائمه سکوت می کردند، می گفتند: اینجا جدال است، من دیگر حرف نمی زنم. جایگاه ائمه جمعه گاهی بزرگ بودن است و گاهی صبر کردن. وقتی یک کسی اصرار بکند، آدم بخواهد رو به روی او بایستد خود اینها دردسر ساز است. و خیلی از مواقع صبر و متانت موجب وحدت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مُنَازَعَةٌ نَزَلَ

مَلَكَانِ فَيَقُولَانِ لِلسَّفِيهِ مِنْهُمَا قُلْتُ وَقُلْتُ وَ أَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتَ سَتُحْزَى بِمَا قُلْتَ وَ يَقُولَانِ لِلْحَلِيمِ مِنْهُمَا صَبْرَتْ وَ حَلَمْتُ سَيَغْفِرُ اللهُ لَكَ إِنْ أَنْتَمْتُمْ ذَلِكَ قَالَ فَإِنْ رَدَّ الْحَلِيمُ عَلَيْهِ اِرْتَفَعَ الْمَلَكَانِ؛<sup>۱</sup> وقتی بین دو نفر نزاع می شود، دو ملک نازل می شوند. (اگر یکی از دو طرف منازعه سفیه نباشد اصلاً نزاع نمی شود، حضرت می فرماید:) این ملکهها به آن سفیه از این دو نفر می گویند: گفتمی و گفتمی و تو اهل همان حرفهایی که گفتمی هستی، (یعنی حرفهای کج زدی و اهل همان کجی هستی) بعداً جزا داده می شوی به اینهایی که گفتمی. و به آن انسان حلیم می گویند: صبر کردی و حلم به خرج دادی. اگر تا آخر منازعه خودت را نگهداشتی، خدا گناهانت را می بخشد. اگر آن حلیم، [از کوره در رفت و] برگشت، این دو ملک دیگر بالا می روند [و می گویند اینها مثل هم شدند].»

۱. الکافی، شیخ کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چ چهارم، ۱۳۶۵ ه. ش، ج ۲، ص ۱۱۲.